



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۱/۰۲/۲۵

نگارگر

## صیادان تفنگ به دست و راکت بر شانه کبوتر صلح را وحشی ساخته اند

### از بس صدای راکت وبم را شنیده است

### وحشی شده کبوتر اهلی خانه ام

صاید آن صلح کلمه ای است بسیار زیبا که در حرفهای خود یک دنیا معنی نهفته دارد. صفا و صمیمیت است، لام آن لطافت است و لامعیت و حای آن حلم است و حلاوت و سالها شد که در وروشنگری و حلم . سرزمین ماصدای راکت است و انفجار و انتحار و فقدان صفا و صمیمیت و لطافت و حلاوت کبوتر صلح را نیز وحشی ساخته که اینک از گوشه بام ما پریده است صلح شرایط خاص خود را دارد که ما وقتی صلح میکنیم آن شرایط را باید رعایت کنیم. صلح تنها توقف جنگ نیست زیرا گاه به منظور تجدید قوای خود جنگ را متوقف میسازند و این گونه صلح های که جنگجویان گرفتار صلح شرایط دارد و شرط نخست آن این . مؤقت و مبتنی بر مصلحت صدار بدتر از جنگ است است که ما مردم را با منفعت های مردم به طور یک کل در نظر بگیریم و آن رابه اجزاء و افراد شرط دوم این است که من پیش شرط های خود را برای تحمیل صلح بر دیگران نداشته تقسیم نکنیم. باشم. به طور مثال اگر طالب بگوید: "من صلح میکنم به شرط اینکه امارت اسلامی مرا بپذیرد یا فلان تعداد زندانی مجرم مرا رها کنید یا جناح متعلق به دولت بگوید: " ما صلح میکنیم به شرط این که قانون اساسی یا نظام سیاسی ما را بپذیرند. این پیش شرطها هرگز سبب صلح نمی شود و طرفین سالها بر سر پیش شرط های خود چانه زنی کنند ولی به صلح نرسند. اگر ما شرط اول صلح میتوانند افراد تقسیم نکنیم به طور طبیعی به این نتیجه میرسیم را در نظر بگیریم و مردم را از کل به اجزاء و که صلح یک موضوع مربوط به مردم افغانستان است و صلح طالب، صلح دولت یا صلح این قوم با آن قوم یا این نظام با آن نظام وجود ندارد.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

همان شرط اول صلح یعنی در نظر گرفتن مردم به صورت یک گُل چند سؤال اساسی دیگر را مطرح میکند. سؤال نخست این است که ما چرا صلح را از دست داده ایم و با هم به جنگ افتاده ایم. دو مرحله را به طور جدا از هم باید در نظر بگیریم. حزبی آمد و قدرت سیاسی را به زور گرفت و نام عمل خود را انقلاب نهاد ولی مردم را به طور گُل در نظر نگرفت و برای جنگ با مردم قوای همسایه زور آور را در کشور دعوت کرد و مردم خود را مجبور به مهاجرت ساخت و جنگجویان ده سال با آن نیروی خارجی جنگیدند و خلاصه نیروهای خارجی رفتند و مجاهدین دستگاه یا دولتی را که عملاً وجود داشت بدون اینکه خود کفایت و صلاحیت برای دولت سازی داشته باشند سرنگون کردند و مردم خود را عملاً در خلای قدرت قرار دادند و برای کسب قدرت با هم درجنگ افتادند و در همین تنازع قدرت بود که گلیم حکومت مجاهدین از کابل جمع شد و کابل به دست طالبان افتاد و دولت مجاهدین در چار دیوار خواجه بهاء الدین منحصر ماند. باز طالبان مردم را به طور یک گُل در نظر نگرفتند و امارت اسلامی خود را بر مردم تحمیل کردند و بدین ترتیب مرحله دوم تجاوز خارجی آغاز شد و امریکا با ناتو آمد و افغانستان را اشغال کرد. اگر طالبان فتوای عالمان دین را می پذیرفتند و اسامه بن لادن را از کشور خود بیرون می فرستادند خود و کشور خود را مصون نگاه میداشتند که چنان نشد و جنگ طالبان با امریکا و ناتو بیست سال دوام کرد و طالبان مانند مجاهدین پاکستان را پشت جبهه قوی ساختند و بدین ترتیب موضوع نفوذ و تسلط همسایگان نیز بر عملیه صلح مسلم گردید و اکنون عملیه صلح در افغانستان با منفعت همسایگان نیز گره خورده است و ما ناگزیریم از خود بپرسیم همسایگان از ما چه میخواهند و چرا میخواهند. اگر همسایگان حق دارند از ما امتیاز میخواهند ما چرا حق نداریم از آنها چنین امتیاز بخواهیم؟

اکنون که ما چهل سال تجربه جنگ را پشت سر داریم و میخواهیم به صلح برسیم با استفاده از تجربه گذشته به این چند موضوع بدیهی برسیم.

نخست اردوی افغانستان و دولت اشرف غنی عملاً وجود دارد و ما نمیتوانیم تجربه ناکام گذشته را تکرار و اردو و دولت را تخریب کنیم و به نام حکومت موقت یک خلای قدرت را بر مردم تحمیل کنیم و عملاً به سوی یک جنگ دیگر ببریم.

موضوع اصلی این است که گروه های جنگی قبول دارند که قدرت از مردم است و مردم دولت را برمیگزینند و قانون بر همه یک سان حکومت میکند بنابراین حکومت بر مردم و برخلاف رضای مردم مطرح نیست بلکه حکومت برای مردم و رضای مردم مطرح است. ما در دو سال آینده میتوانیم زیر نظارت ملل متحد و کشور های بی علاقه به جریانات افغانستان و بدون مداخله حکومت اشرف غنی از طریق آن فراند چند کار را بکنیم. انتخاب یک رئیس جمهور، انتخاب مجلسین شورا، پالیسی

های سیاست خارجی و روابط با همسایگان و احیای بیطرفی عنوانی افغانستان و حتی نوعیت نظام سیاسی مملکت.

خلص کلام این که قطع جنگ و ایجاد صلح در قدم اول و چه گونه گی نظام و ساخت اداره در درجه دوم. این است راه صلح برای کسانی که خود داعیه قدرت ندارند. به خاطر صلح بر مردم منت مگذارید که صلح مکلفیت اخلاقی هرکدام ماست.

سعدی زیبا میگوید که: دو عاقل را نباشد کین و پیکار ++ نه دانا می ستیزد با سبکسار اگر هر دو طرف صلح بدون امتیاز میخواهند این صلح در اختیار شان است فقط قدرت را که امانت مردم است پس به مردم بدهید تا مردم بدون اعمال زور دولت خود را برگزینند. والله اعلم بالصواب. نگارگر ۲۵ فبروری ۲۰۲۱ و حشی شده کبوتر اهلیی خانه ام (نگارگر)